(مقالهٔ مروری)

# اخلاق پزشکی در برخی متون کهن ایران‌زمین

دکتر اصغر اسمعیلی*

گروه علوم انسانی بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران

(تاریخ دریافت: 96/2/9، تاریخ پذیرش: 96/4/13)

## چکیده

**زمینه**: متون کهن فارسی مضامین بلندی را در خود جای داده‌اند که می‌توانند حتی برای بشر امروزی، بدیع و راه‌گشا باشند. از جملهٔ این مضامین، توصیه‌های اخلاق پزشکی است که در مطاوی این متون دیده می‌شود. *قابوس‌نامه*، *کفایه‌الطب*، *پندنامهٔ‌اهوازی*، *چهارمقاله*، *خفی علائی*، *کلیله ودمنه* و برخی متون تاریخ پزشکی از جمله آثاری هستند که در این تحقیق و برای این منظور بررسی شدند.

**نتیجه‌گیری**: اخلاق پزشکی از موضوعاتی است که در ادوار مختلف تاریخی ایران، موردتوجه استادان و فرهیختگان و دانشمندان پزشکی و غیرپزشکی بوده است. بررسی حاضرنشان می‌دهدکه از نخستین قرون اسلامی تا دوره معاصر، براین مسئله تأکیدشده وپزشکانی چون سیداسماعیل جرجانی، ابن‌حبیش تفلیسی، اهوازی و موفق‌الدین هروی و نویسندگانی چون نظامی عروضی سمرقندی، عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر و نصرالله منشی توصیه‌های اخلاقی ارزشمندی به طبیبان دارند. مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی در نوشتارهای آنان عبارت‌اند از: امانت‌داری، پاک‌چشمی، گشاده‌رویی با بیماران، مهربانی، ایثار، راست‌گویی، حفظ اسرار بیماران، خیرخواهی، کمک به بیماران کم‌بضاعت از نظر مالی، تجویزنکردن داروی سقط جنین، تجویزنکردن داروی خطرناک و بخشندگی. روند تأکید بر این ارزش‌ها تا امروز ادامه دارد و آموزش و پژوهش درشاخه‌های مختلف زیستی و پزشکی مورد توجه و تأکید پژوهشگران است.

**کلیدواژگان**: اخلاق پزشکی، متون کهن، ایران

## سرآغاز

اسماعیل جرجانی، از دانشمندان پزشکی قرن ششم، در مقدمه ذخیره *خوارزمشاهی* در تعریف طب می‌آورد: طب صناعتی است که طبیب از وی اندر حال‌های تن مردم و بیماری او نگاه کند تا چون مردم تندرست باشد، به صناعت طب، تندرستی بر وی نگاه دارد و چون بیمار گردد، به تدبیرهای صواب، وی را به حال تندرستی بازآرد، چندانکه ممکن گردد(1).

نظامی عروضی سمرقندی، صاحب *چهار مقاله* نیز در تعریف طب می‌آورد: طب صناعتی است که بدان صناعت، صحت در بدن انسان نگاه دارند و چون زایل شود، بازآرند.

از جمله الزاماتی که طبیبان دانا بدان ملتزم بوده‌اند، اخلاق بوده است و هم در متون پزشکی کهن و هم در منابع جدید، اشارات و توصیه‌هایی برای پزشکان مستور است. یکی از اندیشمندان اخلاقی معاصر در مقاله‌ای با عنوان مروری بر تاریخچه اخلاق و زمینه‌های گوناگون آن، شاخه‌های 15 گانه‌ای را برای آن برمی‌شمارد که نشان از گستردگی حیطهٔ آموزش و پژوهش در این زمینه دارد. این 15 شاخه عبارت‌اند از: اخلاق زیستی، اخلاق پزشکی، اخلاق در ژنتیک پزشکی، اخلاق در ژنتیک، اخلاق در پزشکی جایگزین/سنتی/ گیاهی، اخلاق در مدیریت بهداشتی/ مراقبت‌های بهداشتی، اخلاق پرستاری، اخلاق در آموزش استثنایی، اخلاق و بیماری‌های عفونی/ واگیر، اخلاق در بهداشت روان، اخلاق در ورزش، اخلاق و مصرف/ صنایع/ فنّاوری غذا، اخلاق و صنایع دارویی، اخلاق و رفاه، اخلاق در زمینه مرگ/ پایان زندگی(2). وی در مقاله خود به زمینه‌های متعدد اخلاق در علوم مختلف پرداخته است.

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: esmaeili @ iecf.ir



[ Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26 ]

[ DOR: 20.1001.1.22517634.1396.12.3.3.2 ]

## بحث و بررسی

در متون کهن ایران نیز، نویسندگان و استادان، به جنبه‌های مختلفی از اخلاق پزشکی[1] پرداخته‌اند که در این نوشتار، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1. **عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر**. او در حدود سال 412 ق. متولد شد. از شاهزادگان آل‌زیار بود و قابوس‌نامه را در نصیحت به فرزندش وشمگیر نوشت. کیکاووس بر بخشی از کوه‌های مازندران حکومت داشت و مدتی ندیم مودود غزنوی بود. وی در اثر خود، *قابوس‌نامه*، سه ویژگی اخلاقی راستی[2]، امانت‌داری[3]، گشاده‌رویی، خوش‌سخنی و دل‌گرم کردن و امیدبخشی به بیمار را از خصوصیاتی برمی‌شمارد که پزشک باید حائز آنها باشد:

... و باید که وصایای بقراط خوانده باشد تا اندر معالجت بیماران، شرط *امانت* و *راستی* به‌جای تواند آورد و پیوسته خویشتن *پاک* و *جامه پاک* و مطیب دارد.

... چون بر سر بیمار شود، با بیمار *تازه‌روی* و *خوش‌سخن* باشد و بیمار را دل‌گرمی دهد که تقویت طبیب، بیمار را حرارت غریزی بیفزاید(3).

2. **ابن‌حبیش تفلیسی**. ابوالفضل حبیش تفلیسی. او صاحب *کفایه‌الطب* است و در اثر خود، مصادیق اخلاق پزشکی را «خیرخواهی[4] و راست‌گویی[5]»، «سرّ پوشی و حفظ راز[6]» و «چشم‌پاکی در مواجهه با زنان» می‌داند و طبیب را از ضداخلاقی‌هایی چون« کاهلی» و «تکبر» برحذر می‌دارد:

اما پزشک باید که در این علم زیرک و دانا بود و کتب در این صناعت بسیار بر استادان خوانده باشد. و شاگردی کرده باشد و نیز تجربتش افتاده باشد و ناصح و راست‌گوی بود و کاهل و متکبّر نبود و به کسی که درویش بود، طمع ندارد تا معالجتش در حقّ بیمار به‌صلاح آید و اگر بر خلاف این بود که یاد کرده شد، آن بهتر که او را بر بیمار نبرند(4).

اما ثقه اندر اهل و عیال آن است که طبیب بی‌حجاب ایشان در پیش ایشان برود و ایشان نیز گستاخ در پیش پزشک آیند و دست خویش به او دهند و باشد که از تن، اندامی بود معلول که به ناچار و ناکام به وی نمایند و هر عیبی که دارند از وی پنهان نکنند و سرّ احوال با وی بگویند. پس واجب است مر پزشک را حرمت داشتن پادشاه و بزرگان را و اسرار ایشان پوشیده داشتن (4).

3. **اهوازی**. علی بن عباس مجوسی اهوازی ارّجانی. طبیب بزرگ ایرانی در قرن چهارم. او در دوره عضدالدوله دیلمی می‌زیست و کتاب *الصناعه الطبیه* یا *طب ملکی*را به نام این پادشاه دیلمی نوشت. اثر او در طب جایگاه ویژه‌ای دارد و به لاتین ترجمه شده است. اهوازی در اثر دیگر خود، *پندنامه یا آئین پزشکی*، ضمن ستایش پروردگار و به‌جای آوردن فرمانبرداری خداوند عزّ و جلّ، به احترام به پدر و مادر و استاد اشاره می‌کند و نالایقان را از آموزش طب برحذر می‌دارد. اهوازی در پندنامهٔ خود اصول اخلاقی زیر را برای پزشکان برمی‌شمارد:

- منظور پزشک از درمان نباید پول‌پرستی باشد، بلکه اجر و ثواب را در مدّ نظر داشته باشد.
- هیچ‌گاه داروی خطرناک به مریض ندهد.
- داروی سقط جنین معرفی و تجویز نکند.
- پاک و باکیش و خداپرست و خوش‌زبان و نیکوروش باشد و از ناپاکی و گناه دوری کند.
- نگاه پاک به زنان و کنیزان داشته باشد.
- راز بیمار را محفوظ کند(5).

4. **نظامی عروضی سمرقندی**. از نویسندگان چیره‌دست ایرانی قرن ششم که شاگرد امیر معزّی بود و با خیام ملاقات داشته است. در طب و نجوم و هیئت مطالعاتی داشت و صاحب *چهار مقاله* است که یکی از مقالات آن، به طب اختصاص دارد و در آن از ویژگی‌هایی چون مهربانی و رقیق‌الخلق بودن طبیب در جایگاه عاملی اخلاقی یاد می‌کند:

اما طبیب باید که رقیق‌الخلق، حکیم‌النفس، جیّد الحدس باشد... و هر طبیب که شرف انسان نشناسد، رقیق‌الخلق نبود و تا منطق نداند، حکیم‌النفس نبود و تا مؤیّد نبود به تأیید الهی، جیّدالحدس نبود(6).

5. **اسماعیل جرجانی**. از مشاهیر اطبای ایرانی در قرن ششم. جرجانی در خدمت قطب‌الدین محمد ابن انوشتکین و پسرش اتسز بود و مدتی را در دربار سنجر گذراند. ذخیره *خوارزمشاهی*، *اغراض‌الطبیه و المباحث‌العلائیه*، *یادگار*، *التذکره الاشرفیه فی‌الصناعه الطبیه* و *خفی علایی* از آثار اوست. جرجانی در خفی



[ Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26 ]

[ DOR: 20.1001.1.22517634.1396.12.3.3.2 ]

علایی «امانت»، «مهربانی[7]» و « حفظ اعضا و جوارح از آلودگی‌ها» را از اصول اخلاقی[8] برای پزشکان برمی‌شمارد و آراسته بودن به آن‌ها را از لوازم پیش از طبابت برمی‌شمارد:

طبیب را که به نزدیک بیمار آید، پس از آنکه شرطهای امانت دینی و شفقت مردمی به‌جای آورده باشد و چشم و گوش و دست و زبان از همه ناپسندیدنی‌ها نگاه داشته باشد، نخست که باید نوع بیماری و حقیقت آن بداند...(7).

6. **نصرالله منشی**. نصرالله منشی، نویسنده و مترجم ایرانی در قرن ششم.او به کارهای دیوانی اشتغال داشت و با برخی از شاهان غزنوی معاصر بود. وی *کلیله و دمنه* را به نام بهرامشاه غزنوی ترجمه کرد و بر عربی و فارسی احاطه داشت. صاحب ترجمه*کلیله و دمنه* در باب برزویهٔ طبیب که به قول وی از مقدّم اطبای پارس بوده است، از زبان وی می‌آورد:

وقتی در معرض معالجت بیماران برآمدم، نفس خویش را میان چهار تکاپوی دنیوی مخیّر گردانیدم: وفور مال، لذّات حال، ذکر سایر(یاد کرد دیگران که ادامه‌دار باشد) و ثواب باقی.

او در بخش دیگر می‌نویسد: پوشیده نیست که علم طب، نزد همهٔ خردمندان و در همه دین‌ها ستوده است و در کتب طب آورده‌اند که فاضل‌ترین پزشکان کسی است که معالجه را ذخیره آخرت برای خود بداند.

... و بدان التفات نکنی که مردمان قدر طبیب ندانند، لکن در آن نگر که اگر توفیق باشد و یک شخص را از چنگال مشقت خلاص طلبیده آید، آمرزش بر اطلاق، مستحکم شود؛ آنجا که جهانی از تمتّع آب و نان و معاشرت جفت و فرزند محروم مانده باشند و به علت‌های مزمن و دردهای مهلک مبتلا گشته، اگر در معالجت ایشان، برحسبت، سعی پیوسته آید و صحّت و خفّت ایشان تحرّی افتد، اندازه خیرات و مثوبات آن کی توان شناخت؟

برزویه طبیب در تردد خود میان علم طب و علم دین، بدانجا می‌رسد که می‌گوید:... پس از رنجانیدن جانوران و کشتن مردمان و کبر[9] و خشم[10] و خیانت[11] و دزدی احتراز نمودم و فرج را از ناشایست بازداشت و از هوای زنان، اعراض کلّی کردم. و گناهان و اصول ضداخلاقی زبانی را از خود دور می‌کند: فحشا، بهتان[12]، غیبت[13]، تهمت[14]، جدایی از بدان و پیوستن به نیکان(8).

7. **ایثار[15] برای مداوای بیمار**. در لابه‌لای متون تاریخی، این حادثه قابل مشاهده است: میرزا خرّم کردشتی، از پزشکان ماهر قراجه‌داغ آذربایجان بود و از وابستگان کاظم‌خان قراجه‌داغی. کاظم خان در دوره فترت میان انقراض سلسلهٔ صفوی و ظهور نادرشاه قدرت زیادی داشت.

وقتی یکی از دشمنان کاظم‌خان بیمار شد و میرزا خرّم را برای معالجه طلبید، میرزا از کاظم‌خان اجازه خواست. خان به این شرط به وی اجازه داد که مریض را بکشد، اما پزشک این کار را نکرد، بلکه وی را مداوا کرد. کاظم‌خان او را از خانواده خود دور و به اهر تبعید کرد. او در هنگام تبعید این غزل را سرود:

یا رب ببر ز غربتم این قسمت و نصیب
تا بر وطن برفته ببینم رخ حبیب
نالم به غربت از وطن خویشتن جدا
زانسان که نالد از چمنش دور عندلیب
خرّم خوش آن قلندری و شاعری که بود
کردی خراب خانه خود را شدی طبیب(9).

نظامی شاعر قرن ششم نیز با توصیه به فرزندش که حرفهٔ پزشکی را در پیش گیرد، به وی سفارش می‌کند که « طبیب آدمی‌کُش» نباشد، بلکه « عیسوی‌هُش» و حیات‌بخش باشد:

می‌باش طبیب عیسوی‌هُش  اما نه طبیب آدمی‌کش(10)

8. در برخی منابع مانند *تاریخ طب در ایران پس از اسلام*، به برخی ویژگی‌های اخلاقی طبیبانی چون ابن‌سینا اشاره شده است:... از صفات بارز شیخ آنکه هرگاه در جوانی برای فراگرفتن دانش به دشواری‌هایی برخورد می‌کرده، به عبادت می‌پرداخته و به مسجد می‌رفته و صدقه می‌داده است. در هنگام مرگ، غلامان خود را آزاد کردو اموال خود را به نیازمندان بخشید(5).

یا درباره رازی آورده‌اند: رازی مردی خوش‌خوی و کریم‌النفس و خوش‌قریحه و دقیق بود. بیشتر بیماران را خود توجه می‌کرد و تا بیماری را تشخیص نمی‌داد، از آنها دست برنمی‌داشت.

نسبت به فقرا و مساکین بسیار رئوف و خوش‌سلوک و خیررسان بود. با آنکه شهرتی بسزا داشته و می‌توانسته ذخیره کامل برای تأمین زندگی خود و کسانش تهیه کند، با این‌حال در فکر بیمارستان و رسیدگی به کار بیماران مطلوبی در نظر داشت.

[ Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26 ]
[ DOR: 20.1001.1.22517634.1396.12.3.3.2 ]

رازی با آنکه از مال دنیا چیز زیادی نداشت، به بسیاری از بیماران که استطاعت نداشتند، دارو می‌داد و بعضی از اوقات نیز غذای آنان را تکفل می‌کرد.

او طبیب مردم عادی بود و تنها کسی را که از فرمانروایان درمان کرده، منصور بن اسحاق بوده است. رازی معتقد بوده که به طبیب جاهل و عالم‌نما نباید مراجعه کرد و آنان را تقبیح و مذمت کرده است(5).

9. در بین‌النهرین باستان وقتی فردی بیمار می‌شد، تلقّی چنین بود که او خطایی مرتکب شده و خدایان را از خود رنجانده است و کاهن پزشک با پرسیدن سؤال‌هایی سعی می‌کرد خطا یا اشتباه فراموش‌شده را به یاد بیمار بیاورد. این سرود در این باره است و پیوند بیماری و اخلاق را نشان می‌دهد:

آیا تو بین پدر و پسری، مادر و دختری، برادر و برادری، دوست و دوستی نفاق انداخته‌ای؟

آیا ترازویی نادرست به‌کار برده‌ای؟

آیا به جای نه آری گفته‌ای؟

آیا پسر مشروع را از خانه رانده و پسر نامشروع را به جای او نشانده‌ای؟

آیا حصاری،چپری یا مرزی را جابه‌جا کرده‌ای؟

آیا به خانه همسایه تجاوز کرده‌ای؟

آیا مرد پرهیزکاری را از خانواده‌اش رانده‌ای؟

آیا جامه همسایه‌ات را ربوده‌ای؟

آیا به‌ظاهر چرب‌زبانی کرده‌ای، در حالی‌که در قلب خود احساس دیگری داشته‌ای؟

آیا جنایتی کرده، دستبردی زده یا دیگری را به دزدی وادار کرده‌ای؟

آیا برای کسی سحر کرده‌ای یا به جادوگری متوسّل شده‌ای؟

آنان حتّی ناپاکی اخلاقی را واگیردار هم می‌دانستند که از راه هوا، آب و سایر موارد، منتقل می‌شد:

پای خود را به آب آلوده آغشته کرده

به آبی که در غسل تعمید به‌کار رفته، نگاه کرده

با زن سحرشده یا ناپاکی تماس داشته

با دست‌های آلودهٔ شخصی را نگاه یا لمس کرده

به بدن ناپاک کسی دست زده است؟(11)

10. **موفق‌الدین بغدادی**، از پزشکان و داروشناسان ایرانی قرن ششم، این توصیه‌های اخلاقی را در نوشته‌هایش آورده است که بیشتر آنها جنبه عام دارد و نشان‌دهنده توجه او به اخلاق عمومی است:

از بیهوده‌گویی و سخن‌گفتن در مورد آنچه به تو مربوط نیست، برحذر باش. از سکوت در جایی که نیاز به سخن گفتن است و نوبت سخن گفتن به تو رسیده است، برحذر باش. این سخن گفتن باید برای به‌دست آوردن حقی یا جلب محبتی و یا توجه دادن به فضیلتی باشد. از خندیدن هنگام گفتار، پرگویی و قطع سخن دیگران برحذر باش. سخنت را منظم و شمرده و همراه با آرامش قرار بده. به‌طوری که درباره تو بگویند پشت آن گفتار، سخنانی بیشتر و بهتر قرار دارد و آن‌گفتار با مایه و اندیشه از پیش‌مشخص‌شده ایراد شده است(11).

روند تأکید بر این ارزش‌ها تا امروز ادامه دارد و آموزش و پژوهش در شاخه‌های مختلف زیستی و پزشکی مورد توجه و تأکید پژوهشگران است. از جمله مطابق مقاله تحلیل محتوای مقالات فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، 13 مقاله(6.2) از مقالات منتشرشده در این فصلنامه در حوزهٔ اخلاق پزشکی بوده‌اند و این موضوع، پس از اخلاق حرفه‌ای و کدهای اخلاقی، سومین موضوعی است که پراکندگی بیشتری داشته است (12).

از دیگر سو برخی مؤلفه‌های اخلاقی در پژوهش‌های جدید، با اخلاقیات در متون کهن همسو هستند و اشتراک دارند. از جمله در مقاله حاکمیت اصول اخلاق در ژنتیک پزشکی، با محور قرار دادن چهار اصل خودمختاری، سودمندی، نازیان‌مندی و برابری بر اصولی مانند محفوظ نگه‌داشتن اطلاعات شخصی افراد و خانواده‌ها و رعایت محرمانگی اطلاعات ژنتیکی تأکید شده که در متون کهن هم بر این مسئله تأکید شده بود(13).

یا در مقاله منشور اخلاقی، سلامت، ده آیین پزشکی در حرمت پزشک، منزلت بیمار، سلامت جامعه در آیین ششم آمده: هرگونه اقدام، تجویز دستور پزشکی باید در در جهت اصلاح، رفاه و بهبود سلامت بیمار باشد و کمترین صدمه و پیامد را در حال و آینده برای وی به همراه داشته باشد. پزشک باید برای بالا بردن کیفیت خدمات خود و پیشگیری از خطاهای پزشکی، همواره

[ Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26 ]

[ DOR: 20.1001.1.22517634.1396.12.3.3.2 ]

خود را به دانش روز بیاراید(13). که از متون کهن، نظامی عروضی سمرقندی بر حکیم بودن پزشک تأکید کرده بود.

در آیین هفتم نیز چنین آمده است: پزشک همواره باید عدالت فردی و اجتماعی را رعایت نموده و عواملی مانند سن، جنس، صورت، ظاهر، قومیت، ملیت، عقاید مذهبی و سیاسی، چگونگی موقعیت اجتماعی و بالأخره وضعیت اقتصادی بیمار، هیچ‌گونه آثار منفی نداشته باشد(13). که این آیین نیز با ماجرای طبابت میرزا خرّم کردشتی متناسب است و همچنین نداشتن چشم‌داشت مادّی که در چند متن کهن آمده است.

در آیین هشتم بر ارزش‌های انسانی مانند گفت‌و گوی صمیمانه با بیمار،لبخند، انتقال امید و مثبت اندیشی و مهربانی محور قرار گرفته که در متون کهن مانند چهار مقاله و قابوس‌نامه نیز پیشینه دارد.

در جدول زیر مهم‌ترین اصول اخلاق پزشکی در متون کهن عرضه شده است:

**جدول 1. مهم‌ترین اصول اخلاق پزشکی در متنون کهن**

| اصول اخلاقی | منبع تاریخی |
|---|---|
| امانت‌داری | قابوس‌نامه |
| راستی | قابوس‌نامه |
| پاکی | قابوس‌نامه |
| گشاده‌رویی | قابوس‌نامه |
| خوش‌سخنی | قابوس‌نامه |
| حفظ اسرار | کفایه‌الطب |
| چشم پاکی | کفایه‌الطب |
| ندادن داروی سقط | پندنامه اهوازی |
| پاکی | پندنامه اهوازی |
| نگاه پاک | پندنامه اهوازی |
| مهربانی | چهارمقاله |
| مهربانی | خفی علایی |
| چشم‌پاکی | خفی علایی |
| طبابت برای جلب رضایت خدا | کلیله و دمنه |
| اعراض از هوای نفس | کلیله و دمنه |
| بخشندگی | طب ایران پس از اسلام |

اصول ضداخلاقی که پرهیز از آنها توصیه شده عبارت‌اند از:

**جدول 2. اصول ضداخلاقی که پرهیز از آنها توصیه شده است.**

| آفات اخلاق | منبع تاریخی |
|---|---|
| کاهلی | کفایه‌الطب |
| تکبر | کفایه‌الطب |
| پول‌پرستی | پندنامه اهوازی |
| کبر | کلیله و دمنه |
| خشم | کلیله و دمنه |
| خیانت | کلیله و دمنه |
| دزدی | کلیله و دمنه |

## نتیجه‌گیری

اخلاق پزشکی از موضوعاتی است که در ادوار مختلف تاریخی ایران موردتوجه استادان و فرهیختگان و دانشمندان پزشکی و غیرپزشکی بوده است. بررسی حاضر نشان می‌دهد که از نخستین قرون اسلامی تا دوره معاصر، براین مسئله تأکید شده و پزشکانی چون سیداسماعیل جرجانی، ابن‌حبیش تفلیسی، اهوازی و موفق‌الدین هروی و نویسندگانی چون نظامی عروضی سمرقندی، عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر و نصرالله منشی توصیه‌های اخلاقی ارزشمندی به طبیبان دارند. مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی درنوشتارهای آنان عبارت‌اند از: امانت‌داری، پاک‌چشمی، گشاده‌رویی با بیماران، مهربانی، ایثار، راست‌گویی، حفظ اسرار بیماران، خیرخواهی،کمک به بیماران کم‌بضاعت از نظر مالی، تجویز نکردن داروی سقط جنین، تجویزنکردن داروی خطرناک و بخشندگی.

روند تأکیدبراین ارزش‌ها تا امروز ادامه دارد و آموزش و پژوهش در شاخه‌های مختلف زیستی و پزشکی مورد توجه و تأکید پژوهشگران است. چنانکه در مقاله‌های معاصرین نیز بر اصولی مانند سودمندی، نازیان‌مندی، برابری محفوظ نگه‌داشتن اطلاعات شخصی افراد و خانواده‌ها و رعایت محرمانگی اطلاعات و طبابت فارغ از دخالت دادن عواملی مانند سن، جنس، صورت ظاهری، قومیت، ملیت، عقاید مذهبی و سیاسی، چگونگی موقعیت اجتماعی و بالأخره وضعیت اقتصادی بیمار

[ Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26 ]

[ DOR: 20.1001.1.22517634.1396.12.3.3.2 ]

تأکید شده که با اصول مندرج در کتب کهن مطابق و مشترک است.

## ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار، محترم شمرده شده است.

## سپاسگزاری

بدین‌وسیله از زحمات سرکار خانم نصرتی در ویرایش، حروف‌چینی و نمونه‌خوانی مقاله سپاسگزاری می‌شود.

## واژه‌نامه

| | |
|---|---|
| اخلاق پزشکی | 1. medical ethics |
| راستی | 2. truth |
| امانت‌داری | 3.safe-keeping |
| خیرخواهی | 4.benevolence |
| راست‌گویی | 5.truthfully |
| رازداری (حفظ اسرار) | 6. Confidentiality |
| مهربانی (شفقت) | 7. compassion |
| اصول اخلاقی | 8. principles of ethic |
| تکبر | 9.arrogance |
| خشم | 10.anger |
| خیانت | 11.treachery |
| بهتان | 12.false accusation |
| غیبت | 13.back-biting |
| تهمت | 14.accusation |
| ایثار | 15.self-sacrifice |

# References:


1. Jorjani SE. (1110). *Zakhirehye Kharazmshahi*. Edited by: Moharrery MR. (2001). Tehran: Medical Science Academy. P.4. (In Persian)
2. Farhud DD. (2007). History of ethics and review of ethical implications in different domains. *Ethics in Science & Technology*; 2 (1, 2): 6-10. (In Persian).
3. Onsor al Maali Keykavoos ebne Eskandarebn e ghabousebn e voshmgir. (1349). *QaboosNameh*. Edited by: GholamHosseinYousefi. (1996). Tehran: Elmi o Farhangi Publication. P.18. (In Persian)
4. Teflisi Hobeish ebne Ebrahim. (1153). *Kefayat al Teb*. Edited by: Parsapour Z. (2011). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. Pp.13 , 14..(In Persian)
5. Najmabadi M. (1996). *History of medicine*. Iran: Tehran University Press. P.14..(In Persian)
6. Nezami Arouzi Aamarghandi. (1156). *Chahar Maghaleh*. Edited by: Moein M. (2007). Tehran: Sedaye Moaser Publication. P.109..(In Persian)
7. Jorjani SE. (1998). *Khofey Ye Alayi*. Tehran: Ettelaat Publication. P. 123..( In Persian)
8. Nasr Allah Monshi. (1144). *Kallileh Va Demneh*. Edited by: Minovi M. (1992). Tehran, Amir Kabir Publication,pp.44-45.(in Persian)
9. Hakimi M. (1996). *1001 historical story*. Tehran: Ghalam Publication. P. 210. (In Persian).
10. Nezami Elyas Ebne yousef Zaki Moayyad. (6 Centory Islamic Calender). *leyli va Majnon*. Edited by: Barat Zanjani. (1995). Iran: Tehran University Press. P. 27..(In Persian)
11. Sagebfar M, Pezeshkpoore Mostashfi, Shamsa M. (2009). *History of medicine, pharmacology & veterinary*. Tehran: Iranian Encyclopedia Compiling Foundation. P. 88..(In Persian)
12. Farhud DD. (2013). Adherence to principles of professional ethics in traditional professions, new professions and governmental professions. *Ethics in Science & Technology*; 8 (1): 1-4. (In Persian).
13. Farhud DD (2012). Reverence of physicians, esteem of patients, health of society. *Ethics in Science & Technology*; 7 (1): 1-6. (In Persian).


[ Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26 ]

[ DOR: 20.1001.1.22517634.1396.12.3.3.2 ]